

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اندیشه امام خمینی

عالیه شجاعی^۱

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بستر مناسبی برای حرکت به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی را فراهم کرده است. امروز و بعد از قریب به چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، سازوکارهای رسیدن به این جایگاه بزرگ و نحوه ساخت بنای رفیع آن مورد توجه است. ایده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که از سوی مقام معظم رهبری مطرح گشته است مدل رسیدن به این تمدن جدید می باشد. قالب مدل های فعلی توسعه برگرفته از مدل های غربی و غیر اسلامی هستند و از خاستگاهی بومی برخوردار نبوده؛ لذا از خصلت کارآمدی برخوردار نیستند. از آنجا که حضرت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و از احیایگران دینی بوده اند، این سوال مطرح می شود آن بزرگوار برای ایجاد تمدن نوین اسلامی چه دیدگاهی داشتند، تا با ترویج اندیشه های آن بزرگوار راه برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی هموارتر گردد. این نوشتار تلاش می نماید تا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اندیشه امام خمینی را نشان دهد. امام خمینی (ره) الگوی روشنی در این خصوص است.

کلیدواژه: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اندیشه امام خمینی (ره)، ماهیت انسان

مقدمه

کوشش جهت ارائه اندیشه ای الگویی برای پیشرفت و سعادت انسانی هدف این نوشتار است؛ اما در ابتدا بیان این نکته مهم ضرورت دارد که منظورمان کدام انسان و کدام پیشرفت و مبتنی بر کدام جهان بینی است و مبانی فکری و نظری این پیشرفت از کدامین منابع تغذیه خواهد شد. برای آنکه بتوانیم نمای کلی ای از پیشرفت را ترسیم کنیم لازم است مبانی معرفتی کار خود را مشخص کنیم. مهم است که ما بدانیم در ترسیم مبانی فکری پیشرفت از کدام سرچشمه های فکری تغذیه می کنیم. این کار در واقع حکم زیر بنا را دارد. برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی، که بر مبنای پیشرفت همه جانبه انجام پذیر است، باید همه نیازهای مادی و معنوی،

^۱ مقطع سطح ۲ کارشناسی، حوزه ی علمیه فاطمه الزهرا س آبادان، 456al646e@gmail.com

افراد شناخته شود، تا از همه ظرفیت ها برای رشد و تعالی جامعه استفاده گردد.^۱ برای رسیدن به این مهم ترویج اندیشه های احیایگران دینی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از آنجا که حضرت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و از احیایگران دینی بوده اند، این سوال مطرح می شود آن بزرگوار برای ایجاد تمدن نوین اسلامی چه دیدگاهی داشتند، تا با ترویج اندیشه های آن بزرگوار راه برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی هموارتر گردد. در نگاه امام خمینی (ره)، پیشرفت و کارآمدی جمهوری اسلامی ایران هم یک ضرورت ملی و هم لازمه موفقیت در تحقق آرمان های فراملی می باشد. زیرا از دیدگاه امام (ره) برای جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد تا با تحقق پیشرفت در داخل، یک الگوی کارآمد از اسلام را نشان دهد. از سوی دیگر چون جمهوری اسلامی به دنبال ارائه یک الگوی کارآمد از اسلام نیز می باشد تا به جهانیان بفهماند که اسلام چه برنامه و اهدافی دارد^۲ تحقق پیشرفت برای آن اهمیت مضاعف دارد.^۳ چنان که دشمنان انقلاب می کوشند انقلاب و در نتیجه اسلام را ناکارآمد نشان دهند و چنین تبلیغ کنند که علت این ناکارآمدی در این است که اساساً اسلام و دیگر ادیان الهی فقط برای معنویات آمده اند و با دنیاداری و حکومت کاری ندارند و ورود آنها به عرصه سیاست، به این مقصد معنوی ضربه می زند. یا این که اسلام، دینی ارتجاعی و مخالف تمدن می باشد، لذا باید دیانت از سیاست جدا باشد. آراء و اندیشه های امام خمینی کلید حل مشکلات جهان اسلام است. هرچند این موضوع برای بسیاری از مسلمانان و متفکران جهان اسلام کاملاً روشن است لکن ترفندهای مداوم استکبار جهانی و دشمنان اسلام که هدفی جز تضعیف و نهایتاً به فراموشی سپردن الگوهای عملی، رهایی بخش و انسان ساز اندیشه و راه و روش امام را ندارند بعضاً در اذهان مفروض یا جاهل و ساده لوح القاء گرای می طلب است که امام خمینی پدیده ای تاریخی بود و با رحلت ایشان دوران وی نیز به سر آمده و مسایل را بایستی به صورتی دیگر حل و فصل کرد. آنان از عظمت اندیشه و عمل امام غافلند. اندیشه و سیره امام خمینی، یعنی راه امام خمینی، راه اسلام است که همه علوم می توانند در قالب و مسیر آن شکل متفاوت دیگری با آنچه تاکنون بوده اند بخود گیرند و در واقع از مسیر کفر و ضلالت به مسیر حق تغییر جهت دهند. بنابراین وقتی جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی مانند

^{۱۱} اسماعیلی، مبانی اندیشه ای در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تاکید بر سیره علمی و عملی امام خمینی (ره)، ص ۱-۲۹.

^۲ خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۸ و ج ۱۸ ص ۱۲۹

^۳ وصیت نامه امام (ره)

اقتصاد، سیاست، فرهنگ، هنر و... را از دیدگاه امام مورد تحقیق قرار می دهیم در واقع می خواهیم ببینیم این گونه معارف بشری چگونه و در چه جهتی با چه اهدافی، با چه شرایط و تناسب و میزانی می تواند در مسیر حق یعنی همان مسیر وصول به آن جامعه متعالی مکتب اسلام قرار گیرد و به پیش رود، همان گونه که بدون نام امام این انقلاب در هیچ جای جهان شناخته نمی شود، بدون توجه به سیره و اندیشه های ایشان نیز که مورد تاکید مداوم مقام معظم رهبری است، در هیچ زمینه ای جمهوری اسلامی که میراث رنج و تلاش و استقامت طولانی اوست موفقیت مطلوب را بدست نخواهد آورد. لذا مطالعه دقیق و عمیق نظریات امام در هر برنامه ریزی اجتماعی و حتی شخصی در جمهوری اسلامی پیش شرط موفقیت است. زیرا که امام خمینی تجسم اسلام در عصر اکنون است.^۱ علاوه بر این توجه دقیق به این نکته ضروری است که نظریات حضرت امام چند بعدی است و کلیتی غیر قابل تفکیک را تشکیل می دهد. همچنان که قرآن چنین است، همچنان که سنت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) چنین است. همچنان که نظریات انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام چنین بوده است و امام نیز شاگرد و وارث این مکتب است لذا وقتی مثلا درباره نظریات امام در زمینه اقتصاد یا توسعه بررسی و تحقیق می کنیم بایستی در نظر داشته باشیم که این نظریات از نظریات ایشان درباره سیاست هنر یا عرفان جدا نیست. نظریات و سیره امام در مجموع کلیت و تناسبی یکپارچه دارد که بدون در نظر داشتن آن تحقیق و بررسی در زمینه های خاص به اهداف کامل خود نخواهد رسید. اسلام یک مکتب یکپارچه و تمام و کمال است و برای اجرای هر بعدی تمام ابعاد آن بایستی لحاظ شود و گرنه حاصل همان "نومن ببعض و نکفر ببعض" درمی آید.^۲

اسماعیلی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان مبانی اندیشه ای در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تأکید بر سیره علمی و عملی امام خمینی (ره) بیان می دارد فقه، فلسفه و عرفان در تمدن اسلامی و ایرانی، از جمله «ابرمفاهیمی» محسوب می شوند که به راه اندازنده جریان های علمی و عملی، و از ویژگی مهم «سازندگی» برخوردار هستند. در ترسیم الگوی پیشرفت و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، دانش فقه به جهت «سرشت انسان» و همینطور توانایی این دانش در حلّ معضلات زندگی انسان مسلمان، از موقعیت مرکزی و محوری برخوردار است که می تواند با بهره گیری از سنت فلسفی و عرفانی، اسباب تحول را موجب شود. این

^۱ شکرخواه، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، شماره ۲۲

^۲ فلسفی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، جلد ۱

نوشتار تلاش می نماید تا نشان دهد الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، با ملاحظه سنت فکری و نقد گذشته تمدن اسلامی، چاره ای جز برقراری تعامل، همراهی و نسبت روشن بین فقه، فلسفه و عرفان ندارد. امام خمینی (ره) الگوی روشنی در این خصوص است. حصیرچی و نیاوند (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب) مطرح کردند که بسیاری از کشورهای جهان سوم، با مشاهده رفاه مادی غرب، آموزه های غرب را سرلوحه اقدامات خویش قرار دادند. بخشی از این آموزه ها، شرط وصال و وصول به توسعه را در قبول عقب ماندگی و دور ماندن از قافله تمدن دانسته و برای جبران این فاصله، دست شستن از سنت، چنگ زدن به دامن سکولاریسم و از سر تا پا غربی شدن را تجویز می نمود. تامل در روزگار جوامع پذیرشگر نسخه های غربی توسعه، نشان از سردرگمی، بحران در هویت، شورش های اجتماعی و ... می دهد. از آنجا که رویکرد توسعه غربی، همواره با آنچه که مطمح نظر جمهوری اسلامی است، در تضاد و تناقض بوده و انعکاس آن در فحوای کلام مقام عظمای ولایت، از سال های دور و انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی در ابتدای تشکیل دولت نهم، شاهدی بر این مدعاست لذا این پژوهش کوشید تا ضمن نقد الگوی تجویزی توسعه غرب برای جوامع جهان سوم، لزوم تحول در دهه چهارم انقلاب بر مبنای الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی در چهار عرصه «فکری اندیشه»، «علم و فناوری»، «زندگی» و البته همه ی این سه عرصه در سایه سار «معنویت» که به نحو تفکیک ناپذیری مبداء و معاد، دنیا و آخرت و... در آن، در هم تنیده است را تبیین نماید. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که با گام برداشتن در این چهار عرصه، گام های تحول به سوی پیشرفت مورد نظر هدایت خواهد گردید. در این میان «عرصه فکر» در سایه سار «معنویت»، به عنوان اولین عرصه پیشرفت، موجبات رشد و تعالی اندیشه های «علم و فناوری» در سایه سار «معنویت» را در کشور فراهم خواهد نمود. عرصه اخیر، شتاب دهنده پیشرفت در «عرصه زندگی» در سایه سار «عرصه معنویت» خواهد بود و به نحوی که شاهد خواهیم بود، این چهار عرصه در هم ممزوج و یکی از دیگری جدا نیست. از سوی دیگر همانطور که ملاحظه نمودیم، نقش مردم در این الگو بسیار برجسته است. اخوان و همکاران (۱۳۹۶)

پژوهشی با عنوان ترویج اندیشه های امام خمینی راهکاری برای پیشرفت تمدن سازی اسلامی انجام دادند. برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی، که بر مبنای پیشرفت همه جانبه انجام پذیر است، باید همه ی نیاز های مادی و معنوی، افراد شناخته شود. تا از همه ی ظرفیت ها برای رشد و

تعالی جامعه استفاده گردد. برای رسیدن به این مهم، ترویج اندیشه های احیاگران دینی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از آنجا که حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی و از احیاگران دینی بوده اند، این سوال مطرح می شود که آن بزرگوار برای ایجاد تمدن نوین اسلامی چه دیدگاهی داشتند، با مطالعه آثار آن بزرگوار یافته های این تحقیق نشان داد که امام خمینی بر اهمیت علوم اسلامی تاکید فراوان داشتند و بر این عقیده بودند که اسلام می تواند در صحنه عمل، حلال مشکلات مردم باشد. لذا در همه برنامه ها و فعالیت هایشان به نیروهای جوان دین باور روشنفکر در حوزه های علمیه و دانشگاه ها و مراکز علمی تحقیقی دل بسته بودند، تا برای شکوفایی تمدن اسلامی نهایت تلاش خود را به کار گیرند. عبدالملکی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه ای (مقدمه ای بر مفهوم، فرآیند و چارچوب برنامه ریزی) نشان داد که تحقق اهداف پیشرفت و عدالت، مستلزم توجه به جزئیات و اقتضائات زمانی و مکانی این مفاهیم است؛ ضرورتی که باعث شد تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دستور کار مدیریت ارشد نظام قرار گیرد. بی شک از محورهای مهم این الگو، توجه به ابعاد فضایی پیشرفت و عدالت و مقتضیات و ویژگی های مکانی پاره ها و افرازهای جغرافیایی کشور است. این پژوهش مقدمه ای بر مفهوم، فرآیند و چارچوب برنامه ریزی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه ای ارائه گردید. در تلاش برای پاسخگویی به دو سوال مطرح شده در حوزه های نظری و کاربردی در تشریح اولاً جایگاه مفهوم پیشرفت منطقه ای در مبانی پیشرفت اسلامی - ایرانی و ثانیاً اصول و فرآیند برنامه ریزی در الگوی منطقه ای پیشرفت اسلامی - ایرانی این نتایج حاصل شد که الف) الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه ای، چارچوبی برای تعیین مسیر حرکت اقتصاد مناطق کشور، هم راستا با جهت گیری اسلامی - ملی پیشرفت و مبنای آن نظریه عدالت اقتصادی منطقه ای و معیارهای کلی آن، تحقق عدالت توزیعی و تخصیصی در سطوح منطقه ای و بین منطقه ای است. ب) اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه ای (در ابعاد اقتصادی) را می توان در چهار عنصر افزایش تولید، ارتقاء بهره وری، ارتقاء دانش و فن آوری و ارتقاء رفاه عمومی خلاصه نمود. ج) به منظور کاربردی سازی بیشتر، اهداف عدالت اقتصادی منطقه ای و یا همان ابعاد پیشرفت منطقه ای در الگوی اسلامی - ایرانی را می توان در قالب بیان جدیدی از مفهوم رفاه منطقه ای باز توضیح نمود. د) اجزای عملکردی الگوی منطقه ای پیشرفت اسلامی - ایرانی بر اساس مطالعات مربوط به وضعیت موجود منطقه در

خصوص معیارها و سطوح رفاهی فوق، تحلیل های آسیب شناختی در دو حوزه آسیب های منبعث از کمبود امکانات و آسیب های منبعث از ناکارآمدی فرآیندها صورت می گیرد.

در نهایت مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی ای دارد که آن مبانی تعیین کننده است و به ما می گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین کننده است.^۱

از جهت خصلت تعیین کنندگی این موضوع، ما بر ضرورت نگاه به گذشته و سنت فکری خود به مثابه جزئی از وجود خود تأکید فراوان داریم. هدف اصلی این پژوهش تلاش برای ارائه مبانی اندیشگی الگویی جهت پیشرفت انسان با بازخوانی اندیشه امام خمینی است؛ ما این پژوهش را انتخاب کردیم تا بدین وسیله مسئله ی محوری انسان و پیشرفت وی را کانون بحث قرار دهیم. اهمیت این پژوهش نیز از همین جهت می باشد. مسئله تدوین الگویی جهت پیشرفت انسان، از مسائل کلان و اصلی ماست و یا دقیقت ر بگوییم: اصلی ترین و مهمترین مسئله پیش روی ماست. از طرفی، به این سبب که یکی از ستون های اصلی در بناکردن خانه بزرگ جمهوری اسلامی را، پیوند عقل و ایمان و یا علم و دین تشکیل می دهد، این پژوهش امیدوار است که بتواند در شفاف سازی این پیوند و در نتیجه، در ساختن این بنای عظیم، مؤثر و مفید واقع شود. این نوع نگاه به پیشرفت (بازخوانی سنت و سپس اصلاح و تکمیل آن جهت پیشرفت)، اسباب تحول و تحرک را نه از جهان غرب و ایستادن بر سکوی ویران شده تجدد، بلکه از درون می طلبد. با در نظر داشتن اهمیت موضوع و با توجه به مطالب بیان شده اهداف مورد نظر در پژوهش حاضر عبارت اند از :

- بررسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر امام خمینی (ره)
 - مطالعه تاثیر مبانی معرفتی و اخلاقی در الگوی مطلوب پیشرفت از منظر امام (ره)
 - مطالعه تفاوت نگاه اسلامی و نگاه غربی به انسان از دیدگاه امام (ره)
- با توجه به اهداف ذکر شده اکنون سوالات زیر مطرح می گردد:
- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر امام خمینی (ره) به چه صورت است؟
 - از منظر امام (ره) مبانی معرفتی و اخلاقی در الگوی مطلوب پیشرفت تاثیر دارد؟
 - با توجه به دیدگاه امام (ره) نگاه اسلامی و نگاه غربی به انسان چه تفاوتی دارند؟

^۱ خامنه ای، سید علی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. موسسه علمی فرهنگی بصیرت.

تعریف مفاهیم

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اگر ما به تمام نوشته های مقام معظم رهبری رجوع کنیم حتی یک بار ایشان از کلمه توسعه استفاده نمی کنند. بلکه اعتقاد دارند این واژه بار معنایی خاصی دارد. که همان الگوی غربی است. لذا این واژه از طرف ما مورد پذیرش قرار نمی گیرد. ما باید به جای آن از واژه پیشرفت استفاده کنیم. وقتی می گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. ممکن است پیشرفتی که ما می گوییم با آنچه که امروزه از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می شود وجوه مشترکی داشته باشد- که حتما دارد- اما در نظام واژگانی ما کلمه ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد.^۱ از پیشرفت می توان به عنوان توصیف ترقی و سعادت انسان نام برد. گرچه برخی ممکن است تصور کنند این یک بینش بسیار انسان محور است. پیشرفت، مفهومی بیش از رشد اقتصادی دارد. به مفهوم واضح تر، پیشرفت یعنی یک زندگی با کیفیت بهتر و طولانی تر برای اکثریت مردم. یک جامعه یک کشور زمانی پیشرفت را درک می کند که تغییراتی را در موارد ذیل مشاهده کند:

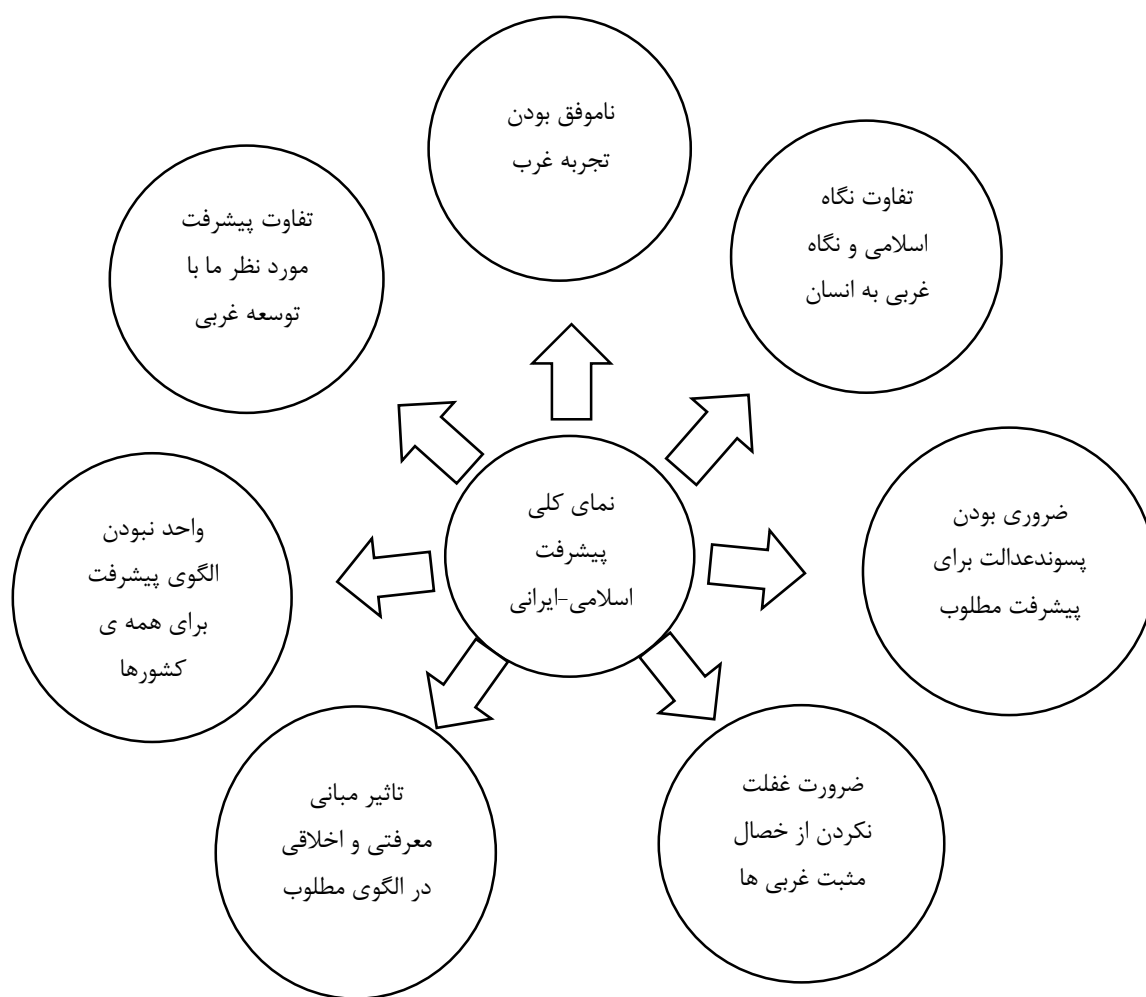
افزایش طول عمر، کاهش مرگ و میر نوزادان، کاهش فساد، افزایش حق انتخاب مردم، کیفیت بالای زندگی، آزادی بیشتر یا کاهش ترس مردم از دیگر کشورها یا حاکمان کشور خودشان.^۲ برای توضیح مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که از سه واژه کلیدی «الگو»، «اسلام» و «ایران» تشکیل شده، ما توضیحات طراح این ایده را به طور خلاصه بیان خواهیم کرد. الگوی ایرانی اسلامی، به منزله یک نقشه جامع محسوب می شود؛ چرا که بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد. با استفاده از این نقشه جامع، وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. الگوی پیشرفت اسلامی مورد نظر، یک کلان نظریه پیشرفت و یک کلان طرح اجتماعی جهت خروج از وضعیت موجود و وصول به وضع مطلوب است. در واقع، این الگوی پیشرفت در دل خود عناصر لازم جهت یک مهندسی بزرگ تحول اجتماعی را حائز است.^۳ الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف

^۱ تیموری و همکاران، تعریف پیشرفت و راه های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای براساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، ص ۱۱۰

^۲ مهدوی، مفهوم پیشرفت در تناظر با مفاهیمی نظیر توسعه، تکامل، تعالی و تحول، ص ۱

^۳ خامنه ای، سید علی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. موسسه علمی فرهنگی بصیرت. ص ۲

سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب نظران ایرانی و بر اساس جهان بینی و اصول اسلامی و ارزش های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان ها، رسالت، افق و تدابیر است.



شکل ۱ نمای کلی پیشرفت اسلامی - ایرانی

واژه ی اسلامی در این ترکیب حکایت گر این ضرورت است که نظریه پیشرفت مورد نظر باید همخوان و مبتنی بر مبانی اسلامی و نظام ارزشی و تعالیم اسلامی باشد. ناگفته پیداست که مدل های متنوع توسعه که توسط غربیان و وابستگان مکاتب فکری لیبرالیستی و سوسیالیستی تاکنون

عرضه شده است. همگی مبتنی بر پیش فرض های انسان شناختی، معرفت شناختی و ارزش شناختی متناسب با درون مایه آن مکاتب فکری و فلسفی بوده است. از این رو واژه ی «اسلامی» در این الگو تاکید بر لزوم همخوانی و ابتناء این الگو بر درون مایه تعالیم و مبانی اسلامی است. واژه ی «ایرانی» در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اشاره به دو مضمون دارد. نخست آن که در صورت استحصال و تدوین این الگو می توان گفت که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را پدید آورده است. معنای دوم از واژه ی ایرانی اشاره به آن دارد که این الگوی پیشرفت با توجه به واقعیات و ظرفیت های بالفعل و بالقوه سرزمین و ملت ایران تدوین یافته است.^۱

تعریف پیشرفت از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی توسعه و پیشرفت را به معنای کاملاً متفاوت از مفهوم رایج توسعه ی غربی تلقی کرد و آن را در گرو تحقق احکام حیات بخش اسلام دانسته است و می فرماید: اسلام و حکومت اسلامی پدیده ی الهی است... برخلاف مکتب های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، پیشرفت در چارچوب قواعد و آموزه های اسلامی نه تنها امکانپذیر که اتفاقاً مورد تأکید اسلام نیز می باشد. امام در این باره تأکید دارند که ما با آثار تمدن و پیشرفت مخالف نیستیم و می فرمایند: «ما وقتی از اسلام صحبت می کنیم، به معنی پشت کردن به ترقی و پیشرفت نیست، بلکه عکس آن صحیح است. به عقیده ما اساساً اسلام یک مذهب ترقی خواه است»^۲. یا اینکه ایشان در سال ۱۳۵۹ در مصاحبه با روزنامه لوتاکونتینوا فرمودند: «اسلامی که بیشترین تأکید خود را بر اندیشه و فکر قرار داده است و انسان را به آزادی از همه خرافات و اسارت قدرت های ارتجاعی و ضد انسانی دعوت می کند، چگونه ممکن است با تمدن و پیشرفت و نوآوری های مفید بشر که حاصل تجربه های اوست سازگار نباشد؟»^۳. امام در جایی دیگر به طور مشخص می فرمایند: «اسلام با همه ترقیات موافق است، با همه پیشرفت ها

^۱ خامنه ای، ۱۳۹۰؛ واعظی، ۱۳۹۰

^۲ خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، ج ۴، ص ۱

^۳ همان، ص ۴۰۹

موافق است. اسلام برای پیشرفت آمده، برای ترقی آمده...^۱». بنابراین، از دیدگاه امام خمینی (ره) اسلام بر پیشرفت تأکید دارد و تحقق پیشرفت برای جوامع اسلامی نیز امری ممکن و نه مذموم است. اما در اینجا سؤالی مطرح می شود و آن اینکه پیشرفت مطلوب از دیدگاه امام (ره) چگونه پیشرفتی است و آیا امام آنچه را که در غرب تحت عنوان پیشرفت اتفاق افتاده بود، برای جامعه اسلامی خودمان هم مطلوب می دانستند و تجویز می کردند؟

امام (ره) پیشرفت مطلوب را پیشرفتی می دانستند که در پاسخ به نیازهای حقیقی انسان عملیاتی شده باشد و مبتنی بر ترویج انسانیت و معنویت و در یک کلام، مبتنی بر انسان سازی باشد. از این رو، ایشان پیشرفت به سبک غربی را نفی می کردند و می فرمودند: «غرب حیوان بار می آورد. آنهم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست. پیشرفت حیوانی است. تربیت انسانی نیست. در غرب تربیت حیوانی است. حکومت ها را می گویم؛ ملت ها را نمی گویم... ما باورمان آمده است که همه چیزها در غرب است. خیر، آن چیزی که در غرب است تربیت حیوان درنده است، حیوان درنده دارند درست می کنند. آلاتی هم که درست می کنند همان چنگ و دندان حیوان درنده است؛ منتها به صدها هزار مرتبه بالاتر. غرب انسان درست نمی کند، آنکه انسان درست می کند آن مکتب های الهی است. مکتب های توحیدی است که تمام همّ انبیا این بوده که آدم درست کنند... شما گمان نکنید که غربی ها پیشرفت کرده اند. غربی ها در جهات مادی پیشرفت کرده اند؛ لکن معنویات ندارند»^۲. از سوی دیگر، امام (ره) برخی مظاهر ترقی مدرن را می پذیرند به گونه ای که می فرمایند: «اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است»^۳. اما با این وجود، در بیان تفاوت پیشرفت مطلوب مورد نظر خودشان با پیشرفت مطلوب دنیای غرب می فرمایند: «در فکر این باشید که به جلو بروید، برنگردید به عقب. اگر انحطاط اخلاقی یا فکری یا عملی حاصل بشود، این برگشت به عقب است و ارتجاع»^۴. در واقع، حضرت امام تعریف توسعه را براساس تعریف مدرن قبول ندارد بلکه

^۱ همان، ج ۶، ص ۲۵۳

^۲ همان، ج ۸، ص ۹۶

^۳ وصیت نامه امام (ره)

^۴ خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۶

پیشرفت توأم با هویت را معتقدند و اذعان داشتند که بحث هویت ما با مفهوم توسعه و مبانی آن در غرب جمع پذیر نیست و مهندسی نمودن مفهوم توسعه توسط غرب را نپذیرفتند. به بیان دیگر، امام بر خلاف کسانی که معتقدند برای رسیدن به توسعه باید هویت را فدا کرد بر این باور است که پیشرفت می بایست توأم با حفظ هویت مدنظر باشد، یعنی امام(ره) نه تنها مطلوبیت پیشرفت، به عنوان یک ارزش کمیاب جهانی، را نفی نمی کنند، اما در عین حال معتقدند که پیشرفت می بایست مبتنی بر کارآمدی، توأم با عدالت و اخلاق و معنویت و ارتقای مقام انسانی انسان به عنوان خلیفه الله باشد. امام خمینی (ره) در این باره می فرمایند: «ما می خواهیم یک جمعیتی نورانی پیدا بکنیم، یک قشرهای نورانی که وقتی وارد می شویم در یک دانشگاهی، عملش نورانی، علمش نورانی، اخلاقش نورانی، همه چیزش نورانی باشد، الهی باشد. اعتلا به این است که ما مسلکمان را و مکتبمان را به پیش ببریم ما رو به اعتلا هستیم و بشر را رو به اعتلا می خواهیم ببریم. مهم این است که اسلام به همه ابعاد تحقق پیدا بکند به طوری که هر کس وارد این مملکت می شود، از سر حد که وارد شد آثار اسلام ببیند تا مرکز که آمد، آثار اسلام؛ دانشگاه رفت، اسلامی؛ وزارتخانه ها رفت، اسلامی؛ ادارات دولتی رفت، اسلامی؛ بازار آمد، اسلامی؛ در کشاورزها و پیش کارگرها رفت، اسلامی؛ آنکه مقصد ما هست این معنا هست».

دو نهاد «حوزه» و «دانشگاه» را می توان از پیشگامان نوآوری و شکوفایی دانست. حوزه می تواند راه را برای نوآوری علمی و فنی دانشجویان حوزوی باز کند. از ابزارها و روشهای متداول در محیط های علمی استفاده نماید و با نوآوری در مباحث دینی و فهم مسائل روز و مستحدثه زندگی، دین خدا را در بین مردم، مورد توجه و رغبت بیشتر قرار دهد. دانشگاه نیز می تواند با نوآوری خود فضای علمی کشور را چه در علوم انسانی و چه در علوم فنی پیش برد و راه را برای رشد و شکوفایی کشور فراهم سازد. امام خمینی قدس سره حوزه و دانشگاه را دو مرکز پیشرفت و انحطاط کشور می داند و می فرماید: دانشگاه و حوزه های علمیه و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور؛ و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. حوزه و دانشگاه هر یک بیشتر نقش را در ایجاد، حمایت و گسترش فضای نوآوری در کشور دارند و هر یک باید به عنوان پیشگام و از اولویت های نظام برای نوآوری باشند. رهبر معظم انقلاب، حوزه و دانشگاه را دو نهاد اصیل دانشجویی در کشور می شمارد و بر پیشگامی آنها در نوآوری و شکوفایی تأکید کرده، می فرماید: ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم. یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و

حادث شونده در زندگی است که این «حوزه» است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی؛ آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا کنج خانه است؛ بلکه در قلمرو، وسیع زندگی بشر، نهاد دانشجویی دیگر، ناظر به اداره اموزندگی مردم است، علوم مختلف و انواع و اقسام دانشها، برای بهتر کردن و راه انداختن زندگی مردم وجود دارد. این نهاد هم مشغول فراگیری این دانش هاست که اینها رافراگیرد و در آنها متخصص و صاحب نظر شود، تحقیقات نو دنیایی را جذب کند و خودش به نوبه خود، تازه هایی در این دانش ها بیافریند و به بشریت عرضه کند، این هم یک نهاد دانشجویی کشور.^۱

رهبر معظم انقلاب نیز در تبیین الگوی ایده آل برای پیشرفت ایران اسلامی می فرماید: در دهه اول انقلاب، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه شصت، یعنی الگوی گرایشمند به سوسیالیسم می دیدند، این نگاه، نگاه غلطی بود، یک برهه از زمان نگاه، نگاه به پیشرفت غربی بود؛ یعنی همان راهی که فلان کشور مثلاً کره جنوبی به طور مثال که مقلد و تابع آمریکاست یا تابع بلوک غرب است رفتند، این ها هم باید بروند، تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی دیدند؛ درحد همین کشورهایی مثل کره جنوبی می دیدند. این هم رد شد امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، نقشه پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه پیشرفت به شیوه غربی، امروز مخصوص ملت های شرق نیست، مخصوص ما نیست؛ خوداندیشمندان غربی، خود فرزندان غربی، زبان به انتقاد گشوده اند؛ هم در زمینه های اقتصادی، هم در زمینه های اخلاقی، هم در زمینه های سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار می کردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد انتقاد است. پس این هم نقشه پیشرفت نیست، پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.^۲

^۱ امام خمینی، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

^۲ طلوعی، داستان انقلاب، تهران، انتشارات علمی، ص ۳۱

گزاره های اساسی پیشرفت از دیدگاه امام (ره)

با توجه به آنچه گفته شد، در خصوص گزاره های اساسی یا ویژگی های عمده پیشرفت از دیدگاه امام (ره) باید گفت که؛

۱- از دیدگاه امام خمینی (ره) حوزه کارویژه و در نتیجه کارآمدی یک نظام سیاسی توسعه می یابد، به طوری که متناسب با نوع انسان شناسی امام (ره)، همه ابعاد وجودی انسان و جامعه، اعم از مادی و معنوی را دربرمی گیرد. لذا یک نظام سیاسی پیشرفته و کارآمد، در تعالی همه جانبه جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و معنوی دارای برنامه، فعالیت و توفیق است.

۲- از نظر امام (ره)، تعالی زیست فرهنگی در حوزه های معنوی، اخلاقی و اجتماعی از اهمیت بالاتر برخوردار بوده و تقدم رتبی دارد. ایشان در این زمینه می فرمایند: «ما امیدمان به خداست و مایوس از خدا نیستیم؛ و بر مشکلات به امید خدا غلبه می کنیم. و به مادیات این نظر را نداریم؛ غلبه را با مادیات نمی دانیم. غلبه با معنویات است. و مادامی که شَعْبِ (ملت) ما به خدای تبارک و تعالی اتکال نکنند، پیشرفت خواهند کرد. و اگر خدای نخواستہ انحراف پیدا شد، زوال برای همه هست»^۱.

۳- از دیدگاه امام (ره)، بکار بستن و توجه به ظرفیت های داخلی و عمومی در تحقق پیشرفت، آبادانی و کارآمدی جامعه اهمیت ویژه ای دارد. به گونه ای که به باور ایشان، پیشرفت تنها برعهده و محدود به دولت ها نیست، بلکه مردم نیز نقش مهمی در این راه دارد. لذا ایشان در کنار دولت ها، این وظیفه را بر عهده سایر نهادها از جمله نهادهای اجتماعی، علمی، دینی و فرهنگی و عموم مردم نیز می دانند. چنان که دولت ها به تنهایی از عهده این امر بر نمی آیند. در واقع، امام معتقد بودند که برای اداره جامعه و پیشبرد امور همه باید دست در دست هم و با احساس مسئولیت اقدام کنیم: «ایران امروز محتاج به کار است. ... باید کار بکنند مردم. کشاورز مشغول کشاورزی باشد. آنهایی که کارخانه دارند مشغول تولید باشند. صنایع کوچک و بزرگ مشغول کار باشند. افراد خودشان را موظف بدانند که امروز مملکت احتیاج دارد. یک مملکتی که الآن اقتصادش شکست خورده است محتاج است. نگذارند که این احتیاج باقی باشد که ما در هر چیزمان که آن رژیم ما را مبتلا کرد به وابستگی این ادامه پیدا کند»^۲. امام (ره) در ارتباط با همین مقوله تأکید دارند:

^۱ خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، ج ۶، ص ۱۸۱

^۲ همان، ج ۱۲، ص ۴۱

«همه موظفند همچون) برادری ایمانی به هم بنگرند و در مشکلات پشتیبان هم باشند. و ملت عزیز پشتیبان دولت و سایر ارگان‌ها باشند، که بدون پشتیبانی همه جانبه توقع پیشرفت از دولت بیموقع است. وبا اتکال به خداوند تعالی، که در مشکلات بزرگ عنایتهای غیبی را فرموده، بدانند که تا ملت و دولت به تعهد خود در نصرت به دین خدا و به بندگان او پایرجا باشند، نصرت خدا ادامه دارد».^۱

۴- جمهوری اسلامی داعیه پیشرفت تام و کارآمدی کامل را ندارد، بلکه در حد توان تلاش دارد ثمره شیرین حاکمیت اسلام را برای جهانیان به نمایش گذارد.^۲

ماهیت انسان از دیدگاه امام خمینی (ره)

لازمه ترویج اندیشه های امام خمینی برای پیشرفت تمدن اسلامی، شناخت انسان است که او چگونه موجودی است و چه نقشی در هستی دارد؟ ابعاد وجودی او چیست؟ آیا صرفا بعد مادی دارد؟ آیا آزادی و اختیار دارد؟ پاسخ به این سوالات، نقش تعیین کننده ای حتی در جزئیات مسائل اجتماعی- سیاسی دارد. انسان اشرف مخلوقات است که امام خمینی در این باره فرموده اند: در میان همه موجوداتی که در این طبیعت موجود هستند، انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند. انسان؛ یک مرتبه باطن، یک مرتبه عقلیت، یک مرتبه بالاتر از مرتبه عقل در انسان به قوه هست. از اول در سرشت انسان هست که این انسان از عالم طبیعت سیر کند تا برسد به آن جایی که وهم ماها نمی تواند برسد.^۳ انسان، تنها موجودی است که به واسطه عقل، توان تدبیر امور و ساماندهی زندگی و دنیای اطراف خود را دارد. تمام هستی به خاطرش آفریده شده اند و همه در خدمت او هستند. از دیدگاه امام، انسان موجودی عجیب است که در بدو تولد، همه خصائل اخلاقی ممدوح و مذموم را به نحو استعداد، واجد است و قابلیت تحصیل ملکات صالحه و ردیله را دارا می باشد.^۴ مهم ترین مسأله در بررسی معنای انسان از نظر امام خمینی، «اندیشه دینی» است. در هر مکتبی با یک سلسله ارزش های انسانی رو به روییم؛ چرا که هر مکتبی با توجه کردن به جنبه ای از وجود آدمی، مدعی احراز سعادت او است. تعلیم اسلامی نیز بر مبنای قبول یک دسته فطریات و ارزش های درونی انسانی، یعنی همه آن چیزهایی که امروزه

^۱ همان، ج ۱۹، ص ۱۵۹

^۲ همان، ج ۲۱، ص ۲۲۵، ولایت فقیه، ص ۱۰ و وصیت نامه، ص ۸۶

^۳ خمینی، ج ۲۲، ص ۴۱

^۴ خمینی، ج ۶، ص ۲۷۹

مسائل انسانی و غیر حیوانی نام دارد، استوار گشته است؛ مجموعه مسائلی که امروزه با اصطلاح ارزش های انسانی مشخص می شود.^۱ امام خمینی در توصیف ویژگی های جسمی می فرمایند:

بدان که انسان چون ولیده همین عالم است و مادر او همین دنیاست و اولاد این آب و خاک است، حبّ این دنیا در قلبش از اول مغروس است، و هر چه بزرگ تر شود، این محبت در دل او نمو می کند.^۲ انسانی که در این وضعیت فرو رفته است، هرگز نمی تواند خود را نجات دهد، بلکه به تربیتی صحیح و بیرونی نیاز دارد؛ یعنی باید گروهی از کامل ترین انسان ها در طی قرون و اعصار بیایند تا او را بسازند و به سوی کمال ببرند. نگاه امام خمینی به انسان، نگاه عارف به مردم عادی و غرق در ظلمات و بدبختی ها است. البته طریقه ارشاد امام بر مبنای تناسب ظرفیت و محدوده روح انسان و پیشرفت هایش در هر دوره است، و از این به بعد، بر شخص است که خود را از تاریکی ها و نابسامانی ها رها سازد و به حیات طیبه و نیکو دست یابد. امام خمینی در مقام احیای ارزش های دینی به عنوان یک عالم دینی، سعادت و خوشبختی حقیقی را در سایه عمل خالص به نظام تربیتی و فکری اسلام امکان پذیر می داند:

این انسان، مثل سایر حیوانات نیست که همان حیات طبیعی و دنیایی باشد، بلکه آن طور خلق شده که علاوه بر حیات طبیعی، حیات مابعد الطبیعه هم دارد... تمام تعلیمات انبیا برای مقصد [او] نشان دادن راهی است که انسان به ناچار باید از این راه عبور کند. اگر سر خود باشد، یک حیوانی است که از این عالم به عالم دیگر می رود. اگر چنانچه به راه انبیاء برود، انسانیتش کامل می شود، و هر چه بیش تر اطاعت کند، بیش تر انسانیتش کامل می شود.^۳ امام در بخش هایی از گفتار خویش در صحیفه امام، با اشاره به ویژگی های نامتناهی هر انسان و قدرت بر کمالات نامحدود، او را صاحب فطرت خدایی و روحانی می داند. البته هر کس به تناسب توانایی و ظرفیت روحی خود می تواند از این خوان گسترده بهره برد. در واقع، انسان دارای نظامی از سلسله مراتب ارزش ها است که با گذر از هر مرتبه، به مرحله بالاتر می رسد.^۴ امام خمینی تحت تأثیر تعلق خاطر خود به مذهب و اجرای تعلیم دینی در جامعه، به مهار افسار

^۱ خمینی، فطرت، ص ۳۷

^۲ خمینی، شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

^۳ صحیفه امام، جلد ۹، ص ۱۱

^۴ صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۳۸۷

گسیختگی انسان در سایه تعالیم اسلام و مقررات آن همت می گمارد. ایشان در بخشی از رهنمودهایشان می فرمایند: انبیا آمده اند که این افسار گسیخته را مهارش کنند و تحت ضوابط درآورند، و بعد از این که آن مهار شد، راه نشانش بدهند، برای این که تربیت بشود، یک تربیتی که برسد به آن کمالاتی که تا آخر برای او سعادت است.^۱ اصطلاح «معنوی»، که بار مفهومی بی پایان و متنوعی در خود دارد، بسته به اشخاص و مکاتب معنا و مفهومی خاص می یابد؛ بعضی معنویت و تحصیل آن را بسته به اراده انسان می دانند و برخی دیگر کسب آن را تنها در سایه عمل به احکام الهی و تحت ظلّ خدا یا دستورالعملی موثق امکان پذیر می دانند. کسانی هم هستند که به تأثیر این دو در زندگی وقوف داشته، پذیرای دو عرصه کاملاً متفاوت و متضاد در طول حیات خویش اند. امام خمینی در زمره این افراد است. او در عین این که شهود و علم لدنی را در ارتباط با ویژگی های فطری یا آگاهی های مبهم انسان ضروری می شمارد، به تعلیم و تربیت انبیا نیز نهایت ارادت و توجه را دارد. این که ما از علم فطری یا شهودی به معنویت، و از توجه بدان به اراده و قوانین مدون دینی رسیدیم، دال بر حضور انسان در دیدگاه های امام خمینی و تعالی تفکر او در جهت رشد و ترقی است. اگر در سخنان ایشان دقت کنیم، می بینیم که در طریق رسیدن به علم شهودی و دیدار جمال حق و حقیقت، بخشی مهم را به انسان اختصاص می دهند: چیزی که هست، دل ها در این که تجلیات حق در آن ها تجلی و ظهور کند، مختلف است. در پاره ای از قلوب، عشقی و ذوقی است که خدای تعالی به این گونه دل ها به جمال و زیبایی و بهاء تجلی کند، و پاره ای از قلوب خوفی است که خدای تعالی بر آن گونه قلب ها به جلال و عظمت و کبریا و هیبت تجلی می فرماید، و بعضی از قلوب هر دو جهت را دارا است که خداوند بر آن به جلال و جمال و صفات متقابله تجلی می فرماید، و یا به اسم جامع تجلی می کند، که این مقام به خاتم انبیا و اوصیای آن حضرت اختصاص دارد. مهم ترین عاملی که انسان را به فکر تعالی و کمال می اندازد، عشق است. اصلاً عصاره و اصل وجود آدمی عشق است، اما غالب انسان ها با علایق فانی این سرای می مانند و به شدت به آن دل می بندند. استاد مطهری این بخش از گرایش های فطری را «گرایش های مقدس» می نامد.^۲ چون از خود و خودمحوری انسان به کنار می رود و به موجودی ورای انسان متوجه می شود؛ هر چند که درون و بیرون انسان هرگز از یکدیگر جدا نیستند امام خمینی می فرماید:

^۱ صحیفه امام، جلد ۱۱، ص ۴۵۰

^۲ مطهری، مجموعه ی آثار، ج ۷، ص ۳۲۲-۳۲۵

آن که کمال - هر چه باشد - می طلبد، عشق به کمال مطلق دارد، نه کمال ناقص. هر کمال ناقص محدود به عدم است و فطرت از عدم تنفر دارد. طالب علم، طلب علم مطلق می کند و عشق به علم مطلق دارد. و همچنین طالب قدرت و طالب هر کمال. به فطرت، انسان عاشق کمال مطلق است، ولی کمال های ناقص که بر حیات و بر روال زندگی بشر حاکم است، امکان دست یابی بدان ندارد، چون این نوامیس و قوانین جز در فطریات انسان، آن هم در ابعاد و زوایای مختلف آن، قرار ندارد. و در کمال های ناقص آنچه می خواهد کمال آن است نه نقص که فطرت از آن منزجر است، و حجاب های ظلمانی و نورانی است که انسان را به اشتباه می اندازد.^۱

نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اندیشه امام خمینی (ره) بود. امروزه تمامی کشورها در تلاش هستند که با تمام توان بر محدودیت های پیرامونی خودشان غلبه پیدا کنند و مسیر توسعه و صنعتی شدن را طی کنند. قبل از انقلاب اسلامی دولتی که بر مردم این سرزمین حکومت میکرد ادعای ایران دوستی داشت اما در حقیقت دست نشاندۀ غرب و فراهم کننده امیال و اهداف آنان بود؛ به طوری که ایران و اسلام به عنوان عناصر اصلی هویتبخشی این ملت به حاشیه رفته بودند و غرب عنصر بیگانه و غیر بومی بر فرهنگ، اقتصاد و سیاست ما مسلط گشت. دولت پهلوی دوم همانند پهلوی اول یک حکومت نوساز و توسعه گرا بود البته این ضرورت پیشرفت یک موضوعی بود که هم قبل انقلاب و هم بعد از انقلاب شاهد آن بودیم و تنها اختصاص به ایران ندارد بلکه ضرورت زمان محسوب می شود و همه کشورها را شامل می شود. با این حال مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) در برابر این حرکت رو به جلو ایستادند تا این بار، حرکت رو به جلو از نوع دیگری را خلق کنند. کاری که با انقلاب ۵۷ انجام شد نتیجه تغییر بنیادینی بود که امام در رابطه بین اسلام، ایران و غرب انجام داد. غرب به حاشیه رفت اما این به معنای نادیده گرفتن غرب نبود و اسلام و ایران به عنوان عناصر اصلی هویت بخشی این سرزمین معرفی شدند. کوتاه کنیم: از نظر امام خمینی اگر قرار است که این ملت پیشرفت مطلوب را تجربه کند، باید که بر هویت اسلامی ایرانی خود تکیه کند و از درون این هویت به آدم و عالم بنگرد. طرح ایده «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» از سوی مقام معظم رهبری را نیز باید از درون چنین چهارچوبی نگریست. مرحوم امام با تکیه

^۱ خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۳

بر فقه سنتی و جواهری و همینطور آرای فلسفی و عرفانی توانست بنیادهای نظم کهن را فرو بریزد و اندیشه ولایت مطلقه فقیه را با تکیه بر عناصر سه گانه فوق مطرح کند، امام در آخرین ماه های حیات خود آنجا که ابرقدرت بزرگ کمونیستی شوروی را در حال تمسک به مدل معرفتی غربی توسعه از نوع سرمایه داری می بیند دست به قلم می برد و رهبر اتحاد جماهیر شوروی را از افتادن به این اشتباه بزرگ حذر می دهد و او را به بازخوانی مدل فکری انقلاب اسلامی و فهم بنیان های معرفتی آن که متشکل از فلسفه فارابی، ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا، و عرفان ابن عربی است، توصیه می کند. تکیه الگوی ترسیمی امام به جای الگوی توسعه غربی، هم نشینی توأمان و تعامل نزدیک فلسفه و عرفان برای زیرساخت معرفتی جامعه است؛ قطعاً جامعه ایرانی نیز در مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی، نمی تواند فارغ از این الگو عمل نماید. اخباریگری و تفکیک شریعت از ابزار فلسفه به تهی شدن دین از عقلانیت؛ و دشمنی و تضاد با عرفان اسلامی، به سقوط اخلاق و معنویت خواهد انجامید. در کنار این مشی و نگاه امام (ره) تجربه تمدنی ما هم ضرورت توأمانی این سه جریان تاریخی را متذکر می شود. شاید دلیل اصلی عقیم ماندن دوره های درخشش تمدنی قرون پنجم و ششم، و دهم و یازدهم در این حقیقت نهفته باشد که بین این سه جریان، تعامل سازنده و یا استواری بر قرار نشد. دوره طلایی قرون پنجم و ششم با نگرش قشری فقهی اهل سنت دچار انحطاط شد و قرون دهم و یازدهم با جریان فقهی اخباری شیعی، متأسفانه امروز هم جریان های ضد فلسفی و ضد عرفانی در حالی که زمینه های جهش بزرگ علمی و تمدنی برای نظام عقلانی مدنی شیعی فراهم شده است، در فضای فکری فعال شده و خوف تکرار تجربیات گذشته را پدید می آورد. شاید نامه ۳ اسفند ۱۳۶۷ امام که به منشور روحانیت معروف شد بهترین هشدار در این زمینه باشد؛ آنجا که دردمندانه از غربت و مظلومیت خویش در مقابل متحجرین قشری مسلک میگوید: وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید، ... یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می رفت.

در مجموع می توان محورهای پیشرفت از دیدگاه حضرت امام (ره) را در پنج اصل زیر خلاصه کرد:

۱- **معنویت:** امام(ره) عمده رفتاری های بشر را ناشی از ضعف این عنصر در وجود انسان ها می دانند و از این رو، با توجه به مبانی انسان شناسی خودشان، معتقد به معنویت به عنوان یک عنصر مقوم و هدف پیشرفت می نگرند. به گونه ای از دیدگاه ایشان هدف پیشرفت باید توسعه معنویت باشد و از سوی دیگر، بدون معنویت اساساً اصلاح و پیشرفتی در امور حاصل نخواهد شد.

۲- **استقلال (فکری و عملی):** امام(ره) وابستگی به خارج را منشأ اکثر بدبختی های می دانند و بویژه تأکید دارند که «اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیائیم همه وابستگی ها تمام می شود».

۳- **مردمی بودن یا اتحاد همه مردم در امر پیشرفت:** اساساً امام(ره) در امر پیشرفت و آبادانی کشور معتقد به استفاده از همه ظرفیت های آحاد ملت بودند و بر این باور بودند که هر کسی و هر مجموعه ای در این رابطه مسئولیتی دارد.

۴- **عدالت:** عدالت به عنوان اصلی انسانی و اسلامی مورد توجه امام(ره) در امر پیشرفت کشور می باشد.

۵- **تغییر وضع محرومین و مستضعفین:** توجه به محرومین و مستضعفین یکی از بزرگترین تفاوت های الگوی پیشرفت مورد نظر امام با الگوی توسعه ملی کشورهای دیگر است. امام(ره) در اهمیت این مهم می فرمایند: «گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد». یا اینکه در آن وصیت نامه سیاسی الهی شان می فرمایند: «به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است».

منابع

فهرست کتاب ها

خامنه ای، سید علی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. موسسه علمی فرهنگی بصیرت، ۱۳۹۰ هـ.ش.

خمینی، روح الله، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲ هـ.ش.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۰۹. ۱۳۴۲ هـ.ش.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۱ هـ.ش.

خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۴ هـ.ش.

خمینی، روح الله، در جست و جوی راه از کلام امام. تهران: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۴ هـ.ش.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲۱. ۱۳۶۹ هـ.ش.

خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰ هـ.ش.

خمینی، روح الله، صحیفه امام، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ هـ.ش.

شکرخواه، یونس، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه حضور، شماره ۲۲، ۱۳۷۶ هـ.ش.

طلوعی، محمود، داستان انقلاب، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۰ هـ.ش.

فلسفی، محمد تقی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق جلد ۱، ۱۳۷۷ هـ.ش.

مطهری، مرتضی آشنایی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ هـ.ش.

مطهری، مرتضی فطرت، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ هـ.ش.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ هـ.ش.

فهرست مقالات

اخوان، عباسعلی، اخوان ارمکی، مجتبی وحمیدیان، فاطمه، «ترویج اندیشه های امام خمینی راهکاری برای پیشرفت تمدن سازی اسلامی»، همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تاکید بر شهر مقدس مشهد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جامعه المصطفی العالمیه، دوره ۱، ص ۱-۲۳، ۱۳۹۶ هـ.ش.

اسماعیلی، محمد مهدی، «مبانی اندیشه ای در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تاکید بر سیره علمی و عملی امام خمینی (ره)»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۴، ص ۱-۲۹، ۱۳۹۴ هـ.ش.

تیموری، روح اله، عبدالله زاده، حسن و کاوه پیشقدم، محمد کاظم، «تعریف پیشرفت و راه های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای براساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه»، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات تحول در علوم انسانی، سال ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵ هـ.ش.

حصیرچی، امیر و نیاوند، عباس، «تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۴، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۰، ص ۵۲-۸۲، ۱۳۹۰ هـ.ش.

صانعی، زینب «انسان از دیدگاه امام خمینی(ره)»، مجموعه آثار کنگره اندیشه های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ص ۳۰۷-۵۴۶، ۱۳۸۲ هـ.ش.

عبدالملکی، حجت اله، «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت منطقه ای (مقدمه ای بر مفهوم، فرآیند و چارچوب برنامه ریزی)»، دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ۴، شماره دوم - بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۱-۵۱، ۱۳۹۱ هـ.ش.

مهدوی، افسانه، «مفهوم پیشرفت در تناظر با مفاهیمی نظیر توسعه، تکامل، تعالی و تحول»، راسخون، ۱۳۹۵ هـ.ش.